

وحدت و تهافت رویه قضایی نزد دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در حقوق تجارت (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)

مهدی شریفی*

اسناد تجاری

وحدت رویه قضایی در مورد اثر خط زدن عبارت «حواله کرد» از روی چک

دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص اثر خط خوردن عبارت «حواله کرد» از روی چک توسط صادرکننده معتقدند اگر عبارت مزبور (حواله کرد) از روی چک خط بخورد به منزله توافق طرفین (صادرکننده و دارنده اولیه) به عدم انتقال چک به دیگری یا به نوعی سلب حق انتقال به غیر است و انتقال گیرنده نمی‌تواند وجه مربوط به آن را وصول کند^۱ چراکه توافق میان طرفین، یک قرارداد خصوصی مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی به‌شمار می‌آید و مادامی که مخالفتی با قوانین آمره نداشته باشد نافذ است و در این مورد هیچ‌گونه مخالفتی با قوانین آمره مشاهده نمی‌شود. بنابراین، توافق طرفین مبنی بر عدم انتقال چک به ثالث، نافذ و معتبر می‌باشد.^۲ همچنین دارنده ثانویه در این فرض، دارنده با حسن نیت تلقی نمی‌شود که بتواند وجه چک را مطالبه نماید زیرا با مشاهده ظاهر چک، غیرقابل انتقال بودن آن را دریافته است.^۳

* دکتری حقوق خصوصی و پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضاییه

sharifimehdi@hotmail.com

۱. شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۸۰۰۹۰۳ مورخ ۱۳۹۱/۷/۳۰.
- مجموعه آراء قضایی دادگاه تجدیدنظر استان تهران، شهریور ۱۳۹۱، ص ۲۹۸.
۲. شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۸۲۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۲، همان، ص ۷۹۹.
۳. شعبه ۴۳ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۳۰۱۰۵۲ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۸، همان، ص ۴۸۰.



وحدت رویه قضایی در مورد « اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در اسناد تجاری و استثنائات آن »

اگرچه در قانون تجارت صراحتاً از اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در اسناد تجاری سخنی به میان نیامده است اما رویه قضایی به درستی این اصل را اعمال می‌کند و ایرادات راجع به معامله پایه را در قبال دارنده سند تجاری مسموع نمی‌داند.^۱ البته این اصل، محدود به دارنده با حسن نیت می‌شود و هر شخص ثالثی که از رابطه بین صادرکننده و دارنده، بی‌اطلاع است شخص با حسن نیت به حساب می‌آید. برای مثال، ادعای امانی بودن چک - حتی در صورت اثبات - در مقابل شخص ثالثی که از این موضوع مطلع نیست قابلیت استناد ندارد.^۲ در برابر، اگر ثابت شود که دارنده، فاقد حسن نیت است ایرادات رابطه مبنایی در مقابل وی قابل استناد است. گذشت مدت زمان طولانی از تاریخ صدور چک تا تاریخ گواهی عدم پرداخت، همچنین گذشت مدت زمان بسیار از تاریخ گواهی عدم پرداخت تا تاریخ اقامه دعوا، با توجه به عرف حاکم بر اسناد تجاری از جمله قرائنی است که دلالت بر عدم وجود حسن نیت دارنده می‌کند.^۳

تهافت آراء قضایی در مورد «مطالبه چک بابت تضمین»

در مورد مطالبه چکی که بابت تضمین انجام تعهدات قراردادی صادر شده است در رویه قضایی اختلاف نظر وجود دارد: برخی از شعب معتقدند به دلیل اینکه در زمان صدور چک، دینی برای صادرکننده وجود نداشته و صرفاً برای تضمین خسارت ناشی از تخلف احتمالی از انجام تعهدات صادر شده است، پس موضوع

۱. شعبه ۵۰ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۰۱۰۰۱۲۵۶ مورخ

همان، ص ۵۹۰.

۲. شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۰۶۴۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰.

همان.

۳. شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۰۶۴۳ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۶، همان،

ص ۱۴۶.

مشمول عنوان ضمان «ما لم یجب» بوده و با توجه به بطلان چنین ضمانی، چک مذکور از اساس باطل بوده، قابلیت مطالبه ندارد.^۱ بعضی از شعب نیز چک مزبور را قابل مطالبه نمی‌دانند و بدون اینکه آن را از اساس باطل بدانند معتقدند چنین چکی فاقد اوصاف یک چک تجاری بوده بنابراین، ضمانت‌اجراها و امتیازات چک تجاری از جمله مطالبه از طریق اجرای ثبت درمورد آن وجود ندارد.^۲ درمقابل، دیگر شعب، مطالبه وجه چنین چکی را مشروط به تحقق شروط قراردادی و اثبات تخلف صادرکننده از انجام تعهد می‌پذیرند. بر این اساس، چکی که بابت تضمین انجام تعهدات قراردادی صادر شده است پس از تحقق شروط قراردادی، قابلیت مطالبه می‌یابد.^۳ پس تا زمانی که تخلف صادرکننده از تعهدات قراردادی و محقق شدن ضمان وی اثبات نشده دعوای مطالبه چک مزبور قابلیت استماع ندارد. تخلف قراردادی طرف مقابل نیز صرفاً از طریق تقدیم دادخواست جداگانه و مستقل قابل اثبات است.^۴

وحدت رویه قضایی درمورد «ماهیت ظهرنویسی اسناد تجاری»

در صورتی که پشت سند تجاری بدون هیچ‌گونه نوشته‌ای که نشان‌دهنده قصد امضاءکننده باشد، امضاء شده باشد ممکن است درباره ماهیت این امضاء اختلاف ایجاد گردد؛ منشأ اختلاف در این است که امضای مذکور می‌تواند انتقال، ضمانت یا وکالت تلقی شود. دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در دو مورد متفاوت، امضای مزبور را ظهرنویسی به قصد انتقال تلقی کرده‌اند. مورد اول جایی

۱. شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۱۰۸۵۰۱۰۸۵۰۲۲۱۰۰۹۹۷۰۲۲۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۰، همان، ص ۳۹۷.

۲. شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۱۳۷۰۳۰۱۳۷۰۲۲۰۳۰۹۹۷۰۲۲۰۳۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۴، همان، ص ۵۹۴.

۳. شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۲۲۸۰۰۶۹۳۰۹۹۷۰۲۲۸۰۰۶۹۳ مورخ ۱۳۹۱/۶/۱۹، همان، ص ۱۵۰.

۴. شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۱۳۹۷۰۲۲۳۵۰۹۹۷۰۲۲۳۵۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۹، همان، ص ۸۰۱.

است که دادگاه در تردید بین ظهرو نویسی به قصد انتقال و ظهرو نویسی به قصد ضمانت، چنین امضایی را حاکی از انتقال سند تجاری دانسته است نه ضمانت.^۱ در مورد دوم در حالت تردید بین ظهرو نویسی به قصد انتقال و ظهرو نویسی به قصد وکالت در وصول، دادگاه معتقد است که ظهرو نویسی سند تجاری، ظهور در انتقال سند تجاری دارد مگر اینکه صراحتاً ظهرو نویسی به عنوان وکالت در وصول قید شده باشد.^۲

وحدت رویه قضایی در مورد «امکان وصول خسارت تأخیر تأدیه وجه بیش از شاخص تورم توسط بانک‌ها»

بانک‌ها مطابق قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌توانند به نرخ خسارت تأخیر تأدیه متفاوت از آنچه در قانون آیین دادرسی مدنی مقرر شده با طرف‌های قراردادی خود توافق نمایند چراکه در برابر قانون الحاق دو تبصره به ماده ۱۵ اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۷۶)، خسارت مورد نظر باید به ترتیبی که در قرارداد تنظیمی طرفین مقرر شده پرداخت گردد.^۳

وحدت رویه قضایی در مورد «عدم تعلق خسارت تأخیر تأدیه به چک در صورت تأخیر در مطالبه به مدت طولانی»

تأخیر قابل توجه نسبت به مطالبه وجه چک، موجب عدم استحقاق وی نسبت خسارت تأخیر تأدیه نسبت به این دوره است. بنابراین پس از أخذ گواهینامه عدم پرداخت، چنانچه دارنده در مدت معقوله نسبت به مطالبه وجه

۱. شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۶۵۸ مورخ ۱۳۹۱/۶/۴، همان، ص ۱۵۰.

۲. شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۸۲۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۲، همان، ص ۸۰۱.

۳. شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۴۰۰۲۸۹ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۳، همان، ص ۵۶۸؛ شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۷۰۱۱۴۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۸، همان، ص ۷۰۳.

چک اقدام ننماید برای این مدت، خسارت تأخیر تأدیه محاسبه نمی‌شود. البته دادگاه‌ها برای رسیدن به این نتیجه از دو گونه استدلال بهره گرفته‌اند: الف) یکی از دادگاه‌ها چنین تأخیری را دالّ بر انصراف دارنده از مطالبه خسارت تأخیر تأدیه می‌داند^۱ که می‌توان گفت تأخیر قابل توجه در مطالبه خسارت، قرینه‌ای بر انصراف از مطالبه است؛ ب) برخی از دادگاه‌ها به قاعده «اقدام» استناد کرده، خسارت تأخیر تأدیه در مدت مذکور را مستند به اقدام دارنده می‌دانند نه تقصیر صادرکننده، با این توضیح که تأخیر در مطالبه و اقامه دعوی به مدت طولانی رفتاری غیرمتمعارف است و چنانچه از رفتار نامتمعارف خواهان خسارتی به وی وارد گردد برحسب قاعده یادشده، مأخوذ به رفتار خود خواهد بود.^۲

مالکیت معنوی

وحدت رویه قضایی در مورد «حمایت از علامت تجاری در ایران»

صرف ثبت علامت تجاری در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون پاریس، مالک علامت را از حمایت قانونی در سایر کشورهای عضو بهره مند نخواهد ساخت.^۳ بنابراین تا زمانی که مالک علامت تجاری، علامت موصوف را در ایران ثبت نکرده است نمی‌تواند از حمایت‌های قانونی مندرج در کنوانسیون پاریس برخوردار شود.^۴ متقاضی نام تجاری با تسلیم اظهارنامه در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون پاریس، تنها شش ماه مورد حمایت کشورهای عضو کنوانسیون پاریس می‌گردد و ظرف این شش ماه برای ثبت علامت تجاری خود دارای حق تقدم است لذا اگر وی بعد از این مهلت، اقدام به ثبت علامت در ایران نموده و قبل از آن، فرد دیگری علامت را در ایران ثبت

۱. شعبه ۱۷ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۷۰۰۹۳۵ مورخ ۱۳۹۱/۷/۸، همان، ص ۳۰۱.

۲. شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۱۶۳۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱، همان، ص ۷۸۷.

۳. شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۶۰۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۵، همان، ص ۷۰۷.

۴. شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۷۴۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶، همان، ص ۸۰۹.

کرده باشد موجب برای ابطال علامت تجاری مقدم‌الثبت وجود ندارد مگر اینکه علامت تجاری مذکور از علائم مشهوره باشد.^۱

وحدت رویه قضایی در مورد «شرایط ابطال ثبت علامت تجاری به دلیل شباهت»

برای ابطال علامت تجاری به دلیل مشابهت با علامت تجاری مؤخرالثبت باید علامت مقدم از علائم تجاری مشهوره باشد یا اینکه طبقه‌بندی کالاهای هر دو علامت یکسان باشند. بنابراین اگر علامت تجاری مؤخرالثبت برای کالای متفاوتی به کار رفته باشد و مصرف‌کننده را در انتخاب دچار اشتباه نکند موجب برای ابطال آن وجود ندارد.^۲ همچنین نوع مصرف‌کنندگان کالا نیز اهمیت دارند چراکه ملاک در ابطال علامت، ایجاد اشتباه در مصرف‌کنندگان است. پس در صورتی که مصرف‌کنندگان کالا از مصرف‌کنندگان عادی نباشند که در مورد منشأ کالا دچار اشتباه شوند بلکه مصرف‌کنندگان حرفه‌ای باشند که چنین شباهتی آنها را دچار اشتباه سازد، صرف شباهت ظاهری علامت تجاری کالا با علامت تجاری مقدم، موجب صدور رأی ابطال ثبت علامت تجاری کالای موصوف نخواهد شد.^۳

ورشکستگی

وحدت رویه قضایی در مورد «بطال معاملات تاجر پس از تاریخ توقف»

هر معامله‌ای توسط تاجر پس از تاریخ توقف، با توجه به عدم اهلیت تاجر و خلل در ارکان صحت معامله فاسد بوده، محکوم به بطلان است. اگرچه تاریخ

۱. شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۱۳۲ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۸، همان، ص ۴۰۴.
۲. شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۹۰۷ مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۵، همان، ص ۳۰۵؛ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۵۶۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۶، همان، ص ۷۰۶.
۳. شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۶۷۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۸، همان، ص ۸۰۸.

توقف سال‌ها بعد طی حکمی اعلام شود و تاجر را در زمان معامله ورشکسته اعلام کند و هرچند در این معامله غبطه شرکت و طلبکاران لحاظ شده باشد زیرا اگر تعیین تاریخ توقف تاجر تأثیری در معاملات وی نداشت لزومی به تصریح آن از سوی قانونگذار نبود.^۱

وحدت رویه قضایی در مورد «خواننده دعوی ورشکستگی شرکت منحل شده»

دعوی ورشکستگی شرکتی که منحل شده است باید به طرفیت مدیر تصفیه آن طرح شود چراکه در چنین وضعیتی تا خاتمه امر تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت برای تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه، نماینده شرکت در حال تصفیه هستند. بنابراین اگر دعوا به طرفیت خود شرکت طرح گردد دادگاه قرار عدم استماع دعوا را صادر خواهد کرد.^۲



۱. شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۰۸۷۴ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۱، همان، ص ۱۵۸؛ شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۱۴۴۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۵، همان، ص ۷۰۹.
۲. شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۷۶۴ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۹، همان، شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۸۴۳ مورخ ۱۳۹۱/۷/۹، همان، ص ۳۰۸.